

معمای پلیسی

جسدی در ویلا

امید آرمین بازپرس پژوهش در حال بازگشت از صحنه قتل مرد نانوايي به دست شاگردفراشی بود که موبایلش زنگ خورد، صفحه نمایشگر نشان می داد که مرکز پیام جنایی می خواهد اورا در جریان قتل دیگری قرار دهد. شاسی مکالمه را فشرده، ستوان محمودی اعلام کرد، مردی ثروتمند در استخر ویلايش به طرز مرمری غرق شده است و از آن جایی که او شناگر ماهری بوده احتمال دارد جنایتی رخ داده باشد. محل جنایت در شهرک غرب گزارش شد و بازپرس پژوهش بایستی از میدان افسریه خود را به آن جایی رساند، به عقبه های ساعت نگاهی انداخت ۱۱ ظهر بود، از راننده خواست تا با سرعت بیشتری حرکت کند. ۴۵ دقیقه ای در مسیر بودند تا این که خودرو به کوچه هشتم پیچید و در انتهای کوچه نزدیک تعداد کمی زن و مرد که در برابر ساختمان سنگفرمزی ایستاده بودند، توقف کرد. بازپرس وقتی از خودرو پیاده شد، صدای گریه های دوزن جوان را شنید که هیاهویی نمی کردند بلکه فقط با زمزمه های پدر، پدر آرام می گریستند. سه مرد نیز در اطراف آنان قدم می زدند و هر سه موبایلشان را با انگشتانشان چنگ می زدند. از خودروی ماموران تشخیص هویت و پزشکی قانونی خبری نبود و بازپرس پژوهش می انست این دو گروه هنوز در نانوايي به بررسی های تخصصی ادامه می دهند، به آرامی وارد خانه شماره ۷۹ شد. سروان براننده در حیاط پر از درخت قدم می زد و مدام با بی سیم می خواست آمبولانس پزشکی قانونی و تیم ویژه قتل در صحنه حاضر باشند. بازپرس پژوهش به او نزدیک شد و پس از احوالپرسی خواست به محل حادثه بروند، سروان با بیان این که استخر سروپوشیده و پشت ساختمان عمارت است با دست اشاره ای به مسیر کرد و همراه بازپرس به حرکت درآمد. وقتی وارد عمارت شدند بازپرس به تزیینات گران قیمتی برخورد که همه جای سالن پذیرایی را پر کرده بود، زمانی برای تماشای این زیبایی های دست ساز نبود، پشت پله های کمانی شکل در شیشه ای وجود داشت که نیمه باد بود. چند مامور پلیس در محوطه داخلی آن دیده می شدند، بازپرس پژوهش با پشت سر گذاشتن در شیشه ای خود را در استخر کوچک ولی مدرنی دید که کف پوش آبی رنگ داشت و دور تا دور استخر صندلی های دراز کش سفید رنگ پر شده بود و در کنار هر صندلی میزی وجود داشت که روی آن نوشیدنی، یخ، میوه و چپس قرار داده شده بود. به نظر می رسید، صاحب استخر برای شنا مهمانی خصوصی بر پا کرده بود، یک مرد که حوله ای روی دوش خود انداخته و بدنی نیمه خیس داشت در کنار مامور پلیس ایستاده بود و حرف هایی می زد. بازپرس پژوهش با دقت به همه جای استخر نگاهی انداخت، جسدی در ضلع شرقی استخر و در بیرون از آب و نزدیک لبه

راننده تا کسی که با سوسه برق طلاهای زن مسافرا ورا در مرکز شهر کشته است اعتراف کرد. این جنایت وقتی فاش شد که جسد زنی در بین شمشادهای اتوبان صیاد شیرازی پیدا شد. **جسد زانه** سرگاه چهارمین روز مرداد امسال مامور شهرداری در حال جارو کشی در اتوبان شهید صیاد شیرازی بود که در بین شمشادهای فضای سبز ورودی پاسداران با جسد یک زن جوان رویه رو شد. مامور شهرداری به سراغ زن جوان که چادر به سر داشت رفت و هر چه صدایش کرد جوابی نشنید، از ترس با پلیس تماس گرفت و خیلی زود تیمی از ماموران کلانتری ۱۰۲ پاسداران برای تحقیقات در محل حاضر شدند. ماموران تجسس کلانتری در بررسی های ابتدایی با توجه به سنگ خونی که کنار جسد این زن ۲۵ ساله افتاده بود، متوجه شدند که این زن با ضربات محکم سنگ به سرش تسلیم مرگ شده است. بدین ترتیب، تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه تیم تشخیص هویت به دستور بازپرس جنایی برای تجسس ها وارد عمل شدند و در کام نخست مشخص شد که زن جوان با ضربات سنگ به سرش کشته شده است و چند ساعت از مرگش می گذرد. بازپرس پرونده با توجه به این که هیچ مدرک شناسایی همراه زن جوان نبود در این مرحله دستور داد تا جسد به پزشکی قانونی منتقل تا از مرگ و مشخصات زن جوان شناسایی شود. **زن ناشناس** کارآگاهان سپس برای شناسایی جسد زن جوان به سراغ پرونده های افراد گمشده رفتند و ردیابی ها ادامه داشت تا این که فردای آن روز مرد جوانی با حضور در کلانتری از ناپدید شدن همسرش خبر داد و ماموران با توجه به مشخصات ظاهری که این مرد از همسرش داده بود احتمال دادند زن گمشده همان زن به قتل رسیده است. تصویر جسد زن ناشناس در برابر مرد جوان قرار گرفت و این مرد وقتی عکس را دید، اعلام کرد که او همان همسر ناپدید شده اش است. مرد جوان در اظهاراتش به ماموران گفت: مدتی بود که به دنبال کشتید، صدای سرفه هایش را شنیدم وقتی لیوان از دستش پرت شد و با افتادن روی کفیوش تریکدو شکست، آرین با حالتی غیر عادی در داخل آب افتاد، ابتدا تصور کردم تعادلش را از دست داده و با مهارتی که در شنا دارد می تواند خود را نجات دهد تا این که بی حرکت روی آب آمد، سراغش رفته و به زور بیرونش کشیدم، هر چه ماساژ قلب دادم و با تنفس مصنوعی سعی در نجاتش کردم، موفق نشدم و او مرد. بازپرس پژوهش پس از بازجویی های دیگری که از دختران و دو پسر آرین و چند مهمان دیگر او که همزمان با حضور آنان به خانه ویلایی آمده بودند به عمل آورد از دکترا شنید علت مرگ خنگی در آب بوده است. تصور می شد، آرین قادر به شنا در آن لحظه نبوده است و حتی نتوانسته دست و پا بزند اما بازپرس با یک دلیل پی برد که آرین به قتل رسیده و حسین قاتل است. حسین نیز اعتراف کرد به خاطر بدهی ۱۰۰ میلیون تومانی دست به این جنایت زده است. **پاسخ معما** تنها دلیل: حسین، ادعا کرد لیوان نوشیدنی از دست آرین، پرتاب شده و با اصابت به کف پوش تریکیده و شکسته است که در این صورت شیشه خرده ها بایستی در شعاع زیادی و با پراکندگی نامنظمی پخش شده باشد اما این طور نبود چون بازپرس شیشه خرده ها را در داخل کاشی به ابعاد ۲۰ سانتی متر، نزدیک و به هم چسبیده دید که نشان می دهد قاتل آن را شکسته و ناشیانه کنار هم قرار داده است..

در تهران رخ داد

اعتراف راننده تاکسی به قتل زن طلایی

وقتی دستگیر شد ابتدا ادعا کرد زن جوان را نمی شناسد اما وقتی در برابر تصاویر دوربین مدار بسته قرار گرفت داستان عجیبی را پیش روی ماموران قرار داد. مرد جوان گفت: زن جوان در جلوی بانک منتظر تاکسی بود که سوار بر خودروی من شد و تا اتوبان شهید صیاد شیرازی سوار بر خودرویم بود و پس از پیاده شدن از ماشین دیگر اورا ندیدم و نمی دانم چه اتفاقی برای او افتاده است. **اعتراف به قتل** امیر علی یک روز سکوت کرد اما وقتی در برابر مدارک پلیسی قرار گرفت و در تناقض گویی هایش گرفتار شد به ناچار لب به سخن باز کرد و به قتل زن جوان در میان شمشاد های اتوبان شهید صیاد شیرازی اعتراف کرد. مرد جوان در اعترافاش گفت: چندی قبل زن جوان در خیابان به عنوان مسافر سوار بر خودرویم شد و در مسیر درباره مشکلات زندگی با هم صحبت کردیم و خیلی زود به من اعتماد کرد و در ادامه شماره امرا گرفت تا در صورت نیاز به تاکسی با من تماس بگیرد. وی افزود: همه چیز عادی پیش می رفت و هیچ رابطه ای بین ما نبود تا این که سوم مرداد زن جوان با من تماس گرفت و گفت که جلوی بانک منتظر من است تا به خانه اش برود به همین دلیل به جلوی بانک رفتم و سوار بر خودروی شد. راننده تاکسی ادامه داد: در مسیر شنیدم طلاهایش را به بانک برده بوده تا بتواند وام بگیرد اما چون کارت ملی اش همراهش نبوده موفق به گرفتن وام نشده است. این مرد گفت: در مسیر بودیم که زن جوان ادعا کرد ز من رفتن به بانک در کنار اتوبان صیاد منتظر تاکسی بوده و شاید کارت ملی اش آن جا افتاده باشد به همین دلیل خواست تا در کنار فضای سبز مسیر ورودی پاسداران به اتوبان شهید صیاد شیرازی توقف کنم. وقتی از خودرو پیاده شدیم در کنار شمشاد ها به دنبال کارت ملی زن جوان می گشتیم که در یک لحظه و سوسه شدم تا طلاها را به سرعت ببرم و همان جا بود که یک سنگ روی زمین پیدا کردم و زمانی که زن جوان به دنبال کارت ملی اش بود از پشت چند ضربه محکم به سرش زدم. زن جوان روی زمین افتاد و وقتی دیدم نفس نمی کشد و او را کشتیم، کیف طلاها و گوشی موبایلش را به سرعت بردم و کیف را در صندوق عقب خودرویم گذاشتم و چند ساعتی در خیابان مسافر کشی کردم و پس از گرفتن چند نان به خانه ام در منطقه شهرری رفتم. امیر علی گفت: یک خانه به صورت شرابیطی در منطقه شهرری خریده بودم و قسط ها هم عقب افتاده بود، وقتی شنیدم زن جوان که به من اعتماد دار د طلاهای زیادی همراهش است در یک لحظه و سوسه شدم و او را به قتل رساندم، طلا ها و کیف را داخل انباری پنهان کردم و در این مدت فکر نمی کردم پلیس در تعقیبم باشد و شناسایی شده باشم به همین دلیل با همه عذاب وجدانی که داشتم سعی کردم به زندگی عادی خودم ادامه دهم تا این که یک روز داخل خانه در حال استراحت بودم که پلیس را بالای سرم دیدم. وی افزود: داخل کیف زن جوان هفت انگوو یک انگشتر طلا بود و همه این اتفاقات به خاطر اعتماد زن جوان به من و بی پولی بود که در یک لحظه دست به قتل زدم. بنا بر این گزارش، راننده تاکسی برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس پرونده در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.

در دادگاه کیفری استان تهران بررسی شد

شلیک به دزد فراری قانونی بود

کردند و پرونده به جریان افتاد. مامور پلیس در بازجویی ها گفت: برای متوقف کردن دزد جوان چند بار ایست دادم و پس از شلیک تیر هوایی و با به کارگیری قانون اسلحه شلیک کردم. بازپرس پرونده با شنیدن دفاعیات جواد به کارشناسان اسلحه شناسی ماموریت داد تا با بررسی های علمی جزئیات شلیک را مشخص کنند. **شلیک قانونی بود** وقتی کارشناسان اسلحه شناسی در گزارش اعلام کردند جواد پس از به کارگیری قانون استفاده از سلاح، دست به شلیک زده است جواد از اتهام قتل تبرئه شد. **درخواست ديه** در این مرحله، اولیای دم درخواست کردند تا ديه فرزندان از صندوق بیت المال به آن ها پرداخت شود. آن ها طی نامه ای به قضات دادگاه کیفری استان تهران نوشتند پسرشان بی گناه کشته شده

پس از آغاز تعقیب و گریز این بار مامور پلیس لاستیک خودرو را نشانه رفت و دست به شلیک زد ناگهان خودرو از اختیار دزد فراری خارج شد و بعد از مسافتی در گوشه ای آرام گرفت. وقتی ماموران صحنه خونین را دیدند، سریع آمبولانس اورژانس را در جریان قرار دادند. معاینه اولیه نشان می داد گلوله پلیس، قلب دزد ۲۵ ساله را شکافته است. **مرگ در بیمارستان** دزد جوان که حمید نام دارد قبل از این که به بیمارستان منتقل شود به دلیل شدت خونریزی جان سپرد و جسد او به پزشکی قانونی منتقل شد. در بررسی های پلیسی روشن شد، حمید دزد سابقه دار بوده و خودرو را چند روز قبل از یکی از خیابان های شمال تهران در دیده بود. **شکایت از پلیس** با مرگ حمید، خانواده وی از مامور پلیس شکایت

خانواده دزد جوان که در جریان تعقیب و گریز پلیسی با گلوله کشته شده است خواستار دریافت ديه از بیت المال شدند. **خودروی مرمر** شامگاه بیست و ششم آذر سال ۹۳ ماموران پلیس هنگام گشت زنی در یکی از خیابان های جنوب تهران با خودروی مشکوکی رو به رو شدند که راننده اش رفتار مرمری داشت. ماموران با بررسی پلاک خودرو، خیلی زود دریافتند راننده دزد خودرو بوده است و دستور توقیف ماشین و دستگیری سر نشین آن توسط مقام قضایی صادر شد. **شلیک پلیس** با افزایش سرعتی بودن خودرو، مأموران پلیس به راننده ایست دادند اما دزد جوان بدون توجه به هشدار پلیس به سرعت خودرو افزود و همین کافی بود تا تعقیب و گریز پلیسی کلید بخورد. مأموران پلیس چند بار ایست دادند تا این که یکی از ماموران به نام جواد چند تیر هوایی شلیک کرد. راننده که در حال فرار بود به هشدار پلیس اعتنایی نکرد و به سرعت خودرو افزود تا راهی برای فرار بیابد. دقایقی



تحلیل کارشناس

بی اعتمادی در تعامل افراد

دکتر قربانعلی ابراهیمی جامعه شناس و استاد دانشگاه از نگاه جامعه شناختی، آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی گفته می شود که در چار چوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی یا غیر رسمی جامعه قرار نمی گیرد و در نتیجه با منع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می شود. یکی از حادترین آسیب های اجتماعی بی اعتمادی در روابط افراد جامعه است و برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی در هر جامعه ای نیازمند بالا بردن کارکردهای اجتماعی هستیم. شکل گرفتن بی اعتمادی بین روابط اجتماعی افراد سبب می شود جامعه با آسیب های بی شماری رو به رو شود. برخی جرم ها به دلیل اعتماد در روابط ایجاد می شود و چنان چه اعتماد هم در روابط کاهش یابد قطعاً آسیب های دیگری جامعه را تهدید می کند. اعتماد در روابط سبب بالا رفتن کیفیت زندگی می شود و روابط اجتماعی سازنده تر و سالم تر خواهد بود اما اگر همین افراد بی اعتماد شوند قطعاً کیفیت روابط اجتماعی بین اقشار کاهش می یابد و مفهوم سرمایه اجتماعی از بین می رود. در دهه های اخیر به دلیل اتفاقاتی که رخ داده است جامعه رنگ بوی مادی به خود گرفته و معنویت رنگ باخته است وقتی در جامعه معنویت کم رنگ می شود اعتماد اجتماعی از سوی دیگر تنزل پیدای می کند. اعتماد در روابط افراد، کارکردهای روانی را ارتقا می دهد و در این جامعه بالندگی و پویایی بیشتر می شود اما اگر بی اعتمادی به درون جامعه تعمیق پیدا کند نگاه افراد به هم مادی می شود و انسان ها مادی گرایی را در زندگی شان در اولویت قرار می دهند. زمانی که در جامعه اعتماد از بین برود از سوی دیگر مادیات مطرح شود ارزش ها و هنجارهای اجتماعی از بین می رود و در آن جامعه باید انتظار هر جرم و جنایتی را داشت و جرایم خرد و کلان را هر روز شاهد خواهیم بود. جهان در دهه های اخیر به سمت ذهنیت مادی گرایی سوق پیدا کرده است و انسان ها در برخورد با یکدیگر میزان دارایی، پول و سرمایه یکدیگر را می سنجند. در چنین جامعه ای اعتماد و اعتماد کردن با هم از بین می رود و این مسئله خطرناک و آسیب زار خواهد بود. وقتی در جامعه گروهی از افراد به دلیل اعتماد کردن مورد سوء استفاده قرار گیرند و ضرب های جبران ناپذیری به آن ها وارد شود به طور قطع این افراد با عینک بدبینی و بی اعتمادی مسائل جامعه و زندگی را تحلیل می کنند. از این رو اعتماد عنصر پیوند بین روابط انسانی است که مانع از بروز جرایم می شود و نبود اطمینان ضرر های جبران ناپذیری به پیکره جامعه وارد می کند.

است و تقاضای دریافت ديه را مطرح کردند. **غیبت در دادگاه**

با این درخواست، پرونده به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد، اما دیروز اولیای دم در دادگاه حاضر نشدند. بدین ترتیب نماینده حقوقی ناجا که در دادگاه حاضر بود در جایگاه ویژه ایستاد و به قضات گفت: با استناد به ماده ۱۳ قانون نیروهای مسلح چنان چه فردی بی گناه باشد و گلوله پلیس باعث مرگ وی شود مشمول ديه خواهد شد اما با توجه به تبصره ماده ۴۱ قانون نیروهای مسلح اولیای دم حمید مشمول دریافت ديه از صندوق بیت المال نیستند، چرا که قربانی این پرونده سارق بوده و چندین سابقه کیفری در پرونده اش داشته است. از طرفی استعلام پلاک خودرویی که حمید سوار آن بوده نشان می دهد خودرو سرقتی بوده است. از این رو با توجه به این که کارشناسان اسلحه شناسی در گزارش اعلام کرده اند، مامور پلیس با به کارگیری قانون استفاده از سلاح دست به شلیک زده است با دقت به ضلع شرقی استخر و در بیرون از آب و نزدیک لبه



www.seebarghotel.com

احمدآباد نبش رضا ۲ هتل سی برگ

پشتیبانی: ۰۹۱۵۳۰۹۹۵۲۳ ناظران

تلفن رزرو: ۰۵۱۳۸۴۲۴۰۳۳

تالارهای مجلل سی برگ

میراسل-لوتوس-رز

با دیزاین جدید و سورپرایز های

ویژه برای مراسم ولیمه مکه



تالارهای مجلل سی برگ